

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۶ دسمبر ۲۰۱۶

کجای دنیا صندوق پس انداز معلمان به سریال‌های حکومت‌ها اختصاص داده می‌شود؟!

(دلایل تعطیلی سریال «شهرزاد»)

زمانی که فراکسیون به‌اصلاح «مبارزه با مفاسد اقتصادی مجلس دزدان و تبهکاران حکومت اسلامی ایران، خبر از فساد هشت هزار میلیارد تومانی در صندوق ذخیره فرهنگیان داد، دوستداران و حتی دست‌اندرکاران سریال شهرزاد فکر نمی‌کردند نام این مجموعه هم در این پرونده مطرح شود، از طرح پرسشی در فیس‌بوک آغاز شد. «محمود صادقی»، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی ۱۸ آبان ماه [عقرب] امسال در گفت‌وگو با روزنامه «اعتماد»، به وضعیت وام‌های «صندوق ذخیره فرهنگیان» اشاره کرد و گفت: «سه هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان بدون اخذ وثیقه لازم و بی حساب و کتاب در دولت گذشته به سه تا پنج نفر وام داده شده که ظاهراً یکی از آن‌ها منسوب به یکی از مقامات قضائی سابق هم هست.»

سریال شهرزاد که در قالب دی‌وی‌دی وارد شبکه نمایش خانگی شده و هم‌زمان از طریق برخی سایت‌های اینترنتی نیز در دسترس قرار گرفت، به‌دلیل حضور بازیگران مطرحی مانند علی نصیریان، شهاب حسینی و ترانه علی‌دوستی و داستان عشقی توانست توجه تماشاگران را به‌خود جذب کند.

موفقیت سریال باعث شد تا پیش از پایان آن، سازندگان اعلام کنند که به زودی فیلم‌برداری فصل دوم آن را آغاز خواهند کرد. اما ناگهان اعلام شد که یکی از سرمایه‌گذاران سریال بهنام «محمد امامی» به اتهام «ارتباط با فساد صندوق ذخیره فرهنگیان» بازداشت شده است.



فساد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی تمام عناصر و ارگان‌ها و نهادها و ادارات ایران را فراگرفته است که عامل اصلی آن نیز حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی است؛ حکومتی که از بالاترین مقام آن، یعنی از خامنه‌ای تا قوای آن مانند قوه قضائیه، قوه مثننه، قوه مجریه گرفته تا ارتش، سپاه، بسیج، اطلاعات، پولیس گرفته تا وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان، بانک‌ها، صنایع، کارخانه‌ها، روزنامه‌ها، کتاب‌ها، سینما، تئاتر، ورزش و... را فراگرفته است. از سربازان گمان امام زمان تا با نام‌شان همچون پاسدار قاسم سلیمانی سردسته آدمکشان و تروریست‌های سپاه که هر از گاهی نیز با گروه‌های تروریستی شیعه در عراق و سوریه عکس می‌گیرد مبلغی کلانی که باید به رفاه و بهداشت و آموزش و اشتغال مردم و بیکاران اختصاص داده شود به‌جنگ داخلی عراق و سوریه، حکومت آدمکش بشار اسد، حزب‌الله لبنان، نیروهای طرفدار خود در جنگ داخلی یمن و...، اختصاص داده می‌شود و هزینه جنگ و آدمکشی و تروریسم می‌گردد. دیگر رانت‌خواری، رشومخواری، باج‌گیری، از قاچاق کالا گرفته تا موارد مخدر در جامعه تحت حاکمیت نمایندگان «خداوند عادل و قادر و توانا»، «امام زمان منتظر ظهور» و... به‌هیچ‌وجه قابل پرده‌پوشی نیست. هرچند که رهبر خامنه‌ای بارها تلاش کرده دزدی‌های حکومتیان و ارگان‌های حکومتی از جمله بارگاه خودش را پرده‌پوشی کند اما موفق نشده است. در واقع تاریخ حکومت اسلامی، تاریخ جهل، جنایت، تجاوز، ترور، آدمکشی، دزدی و تبهکاری است!

آخوندهای مفت‌خور و متحجری که ۳۸ سال است بر جامعه ایران حاکمیت می‌کنند خود و فرزندان و اطرافیان‌شان یک‌شنبه رهبر، رئیس، وزیر، وکیل، فرماندار، استاندار، امام جمعه، مالک رادیو و تلویزیون و روزنامه و... و صاحب میلیاردها دالر ثروت‌های بادآورده شده‌اند و فرزندان آن‌ها که به «آقازاده»ها معروفند واقعا نمی‌دانند با این ثروت و قدرت چگونه زندگی کنند. آن‌ها به‌هر جنایتی دست می‌زنند بدون این که کمترین نگرانی از عواقب این جنایات خود داشته باشند و...

برای آن‌ها هیچ اهمیتی ندارد که حدود ده میلیون تن از نیروی کار جامعه ایران بیکارند که نصف بیشتر آن‌ها تحصیلات آکادمیک دارند؛ روزبه‌روز بر تعداد کودکان کار و خیابان، کارتن‌خواب‌ها، معتادان و بردگان جنسی افزوده می‌شود و...

اخیرا بحث‌های زیادی بر سر سرمایه‌گذاران سریال پرخرج «شهرزاد» و حتی واگذاری صندوق ذخیره معلمان که فعالین آن در زندان‌ها هستند و شاغلین نیز در فقر و بدبختی و فشارهای سیاسی زیادی دست به‌مگریبان هستند به‌یکی از «آقازاده»های سرمایه‌گذار این سریال. اتفاقاً دو «آقازاده‌ای» که سرمایه‌گذار این سریال هستند ارتباطشان هم به بیت رهبری و هم کاخ ریاست جمهوری هم می‌رسد. آن‌ها هم با جناح اصلاح‌طلبان و هم اصول‌گرایان حکومت رابطه حسنه و نزدیکی دارند. در واقع این آقازاده‌ها نه خودشان هنری دارند و نه به فکر هنر و سینما هستند، بلکه با ورود به‌این عرصه پول‌شوئی می‌کنند و هم راه ده‌ها ساله را برای معروف‌شدن یک‌شنبه طی می‌کنند. البته ناگفته نماند که این آقازاده‌ها مانند همه آقازاده‌های حکومتی و عناصر دور و بر آن، صاحب صدها شرکت و بنگاه و میلیاردها دالر سرمایه هستند.

با این مقدمه، به‌سراغ سریال معروف و پرخرج ایران، یعنی سریال «شهرزاد» می‌رویم. سریال خانگی «شهرزاد»، به‌کارگردانی حسن فتحی و تهیه‌کنندگی «سیدمحمد امامی» با درجه کیفی «الف» ویژه از ۲۲ مهر ماه شال ۱۳۹۴، توزیع و پخش شده است. «شهرزاد»، ظاهراً قصه عاشقانه‌ای است که در بستری تاریخی روایت می‌شود. داستان سریال نمایش خانگی «شهرزاد» که در ۲۶ قسمت ساخته شده به‌دوره تاریخی دهه ۳۰ شمسی

ایران برمی‌گردد. این سریال پرستاره و پرهزینه، بزرگترین پروژه تاریخ شبکه نمایش خانگی است. سرمایه‌گذاری این سریال به‌طور مشترک بر عهده سیدمحمد امامی و سیدهادی رضوی بوده و پخش آن بر عهده شرکت تصویرگستر پاسارگاد است.

به‌گفته منابع قوه قضائیه، این یکی از پرونده‌های بزرگ فساد مالی در ایران است که پای بسیاری را به‌دادگاه باز خواهد کرد. ظاهراً بخشی از این پرونده در حاشیه دستگیری افرادی که پول‌های بی‌حساب از حساب‌های دولتی برایشان واریز شده، رو شده است. فساد که هم‌اکنون بخشی از اتهامات «محمد امامی»، تهیه‌کننده و یکی از سرمایه‌گذاران سریال «شهرزاد» است. اتهام اصلی او، ارتباط با پول‌شویی گسترده فرهنگی است که گفته می‌شود از چند سال پیش توسط او و «بابک زنجانی» آغاز شده و بخشی از پول‌شویی که به‌عنوان سرمایه‌گذاری در بخشی از پروژه‌های نفتی انجام شده را او در بخش فرهنگی هزینه کرده است. همچنین گفته می‌شود که او در شرکت «رشد»، متعلق به «یاسین رامین» که ماه گذشته دستگیر شد، سرمایه‌گذاری کرده بود اما به‌نظر می‌رسد همه این پرونده‌ها در رابطه با پرونده پول‌شویی است.

محمود صادقی، نماینده تهران در مجلس دهم، اخیراً از صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه درخواست کرده است در واکنش به‌گزارش منتشر شده از حساب‌های شخصی او، گزارشی از این حساب‌های برای شفاف‌سازی ارائه کند. به‌گزارش تسنیم، محمود صادقی در صحن علنی مجلس در تذکری شفاهی به وزیر اقتصاد و دارایی با اشاره به این‌که در چند روز اخیر شایعاتی درباره افتتاح حساب‌های متعدد شخصی رئیس قوه قضائیه در فضای مجازی منتشر شده است، اظهار داشت: این اخبار باعث سوءاستفاده رسانه‌های خارجی شده است.

اشاره محمود صادقی به‌گزارش‌هایی است که اخیر در خصوص وجود «۶۳ حساب شخصی صادق لاریجانی» در فضای مجازی منتشر شده است. در این گزارش‌ها آمده است که مدیران بانک ملی ایران گزارشی از این حساب‌های در اختیار علی طیب‌نیا، وزیر اقتصاد و دارایی گذاشته‌اند.

این گزارش‌ها، تصریح کرده بودند که سود بانکی این حساب‌ها «سالانه ۲۵۰ میلیارد تومان است که رقمی در حدود ۲۰ میلیارد تومان ماهانه، به وی پرداخت شده است». این در حالی است که محمود صادقی، با بیان این‌که علی طیب‌نیا وزیر اقتصاد و امور دارایی طی مصاحبه‌ای این اخبار را تکذیب کرده و اعلام کرده از ۲۰ سال گذشته با هماهنگی خزانه‌داری کل و با رعایت حدود قانون حساب‌هایی برای قوه قضائیه به‌عنوان سپرده افتتاح شده است، تصریح کرد: از وزیر اقتصاد این سؤال را دارم که منظور او از حدود قانون و موازین شرعی چه بوده و این وجوه باید با استناد به‌کدام قانون به‌حساب‌های شخصی ریخته شود.

نماینده تهران، تأکید کرده است: کدام موازین شرعی وجود دارد که باید این وجوه تصرف و سود حاصله را تملک کند. از رئیس قوه قضائیه تقاضا دارم برای جلوگیری از سوءاستفاده بیگانگان و شفاف شدن موضوعات، گزارشی از عملکرد این حساب‌ها در طی ۵ ساله اخیر را ارائه دهد.

علی طیب‌نیا، گفته بود: این گزارش‌ها که در مورد حساب‌های بانکی قوه قضائیه منتشر شده و این حساب‌ها را به‌رئیس قوه نسبت داده‌اند، نادرست است. این حساب‌ها از بیست سال پیش مربوط به‌قوه قضائیه است.

البته رئیس قوه قضائیه گفته است این حساب‌ها با اطلاع خامنه‌ای رهبر باز شده‌اند.

حالا قرار است قوه قضائیه، در مورد معضلات و مشکلات جامعه، از جمله سوءاستفاده‌های مالی و غیرمالی از قدرت را داوری کند؟ مثل معروفیست که گفته: «وای به‌روزی که بگندد نمک!»

این اتهام در زمان پخش سریال شهرزاد مطرح شد و او و شریکش، «سیدهادی رضوی»، داماد «محمد شریعتمداری»، معاون اجرایی رئیس جمهوری ایران در مقام تهیه‌کننده این سریال را در این سریال هدف قرار داده است.

سیدهادی رضوی که در سایت رسمی سریال شهرزاد خود را جوان‌ترین قهرمان «جشنواره قهرمانان صنعت» در سال ۱۳۹۲ اعلام کرده است، در گفت‌وگوهای متعدد سعی کرد اعلام کند که مجموعه شهرزاد بدون اسپانسر جدی می‌تواند هزینه ۱۲ میلیاردی خود را از طریق فروش آن لاین و فروش حضوری دی‌وی‌دی‌های این مجموعه و اقلام جانبی باز گرداند؛ موضوعی که با حساب سرانگشتی، غیر ممکن به نظر می‌رسد.

ماجرای این پول‌شویی از آنجا آغاز شد که سرمایه‌گذاران به‌ظاهر گمنامی وارد عرصه هنر شدند و بدون توجه به بازده مالی، با سرمایه‌گذاری‌های کلان، مدیوم جابه‌جایی پول در عرصه هنر را تغییر دادند. این سرمایه‌گذاری با توجه به زمینه گسترده و غیرقابل کنترل هنرهای تجسمی، از این بخش آغاز و باعث بالا رفتن قیمت آثار هنری هنرمندان ایرانی شد اما خیلی زود توجه سرمایه‌گذاران تازه به سمت سینما و رسانه‌های خانگی چرخید.

از آنجایی که سرمایه‌گذاری در رسانه‌های خانگی مطمئن‌تر و کم‌حاشیه‌تر بود، بیش‌تر تمرکز به این سمت رفت. بابک زنجانی نخستین کسی بود که وارد این عرصه شد و با سرمایه‌گذاری در سینما، چندین فیلم را در سکوت خبری حمایت کرد. سیدمحمد امامی دومین کسی بود که وارد عرصه سرمایه‌گذاری در این حوزه شد. او که برای مدت‌ها چهره پشت پرده سریال‌های شبکه خانگی بود، با سرمایه‌گذاری در سریال «شاه‌گوش»، وارد این میدان شد.

تا پیش از شاه‌گوش، کم‌تر کسی نام او را شنیده بود. او که در حال حاضر ۳۵ ساله است، پیش از این در بخش اقتصادی فعال بود و بیش‌تر در هولدینگ‌های نفتی کار می‌کرد. اما به یکباره فعالیت اقتصادی خود را با حمایت هولدینگ دیگری به اسم «گروه فاطمی» به سمت هنر نیز پیش برد.

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های این هولدینگ، ساخت سکویای نفتی در مناطق نفتی بود. البته به دنبال انتشار خبر دستگیری امامی، سایت شرکت فاطمی نیز به‌بهانه به‌روز رسانی، از دسترس خارج شده است. مدیرعامل این هولدینگ، رضوی بود که تقریباً هم‌سن و سال امامی است و داماد «محمد شریعتمداری»، معاون رئیس جمهوری و وزیر اقتصاد دولت‌های قبلی.

اما او نسبت خود را با یکی از مدیران دولتی، به عنوان افتخارانش اعلام نکرد؛ آنچه او به آن می‌بالد، شاگردی افرادی از طیف حزب «موتلفه اسلامی» و به‌ویژه «حبیب الله عسگرآلادی» است. مهم‌ترین نقطه اتصال او و امامی به این طیف در نامه‌ای مشخص شد که برای عذرخواهی از «حسین شریعتمداری»، مدیر مسؤول کیهان نوشت و باعث عصبانیت «حسن فتحی»، کارگردان سریال شهرزاد شد.

فتحی بعد از انتشار آن نامه، تهدید به ترک مجموعه شهرزاد کرد که البته با واکنش سرد سرمایه‌گذاران مواجه شد. آن‌ها اعلام کردند که در صورت لزوم، با کارگردان دیگری کار خواهند کرد. سرمایه‌گذاران در آستانه فصل دوم، تهیه‌کننده قبلی، یعنی «سعید ملکان» را نیز کنار گذاشتند و خودشان نظارت کامل این مجموعه را به عهده گرفتند. این کاری بود که در نیمه مجموعه البته با آهنگساز و خواننده آن نیز انجام دادند و با حذف یک باره آن‌ها، آهنگساز و خواننده دیگری را جایگزین کردند. این اتفاق البته برای «ابوالفضل پورعرب» نیز افتاد و ناگهان او نیز از مجموعه حذف شد. حالا سریال شهرزاد که خیلی هم از سوی مخاطبان با استقبال مواجه شده، با چالشی تازه مواجه است که سرنوشت دومین فصل آن را در پرده ابهام فرو برده است.

محمد امامی ۱۵ مهرماه امسال به اتهام‌های «مشارکت در فساد مالی صندوق فرهنگیان وزارت آموزش و پرورش» و «پول‌شویی و رشوه در قالب یک شرکت نفتی» بازداشت شد. او پیش از بازداشتش، در طول یک سال حدود ۲۰ میلیارد تومان در تولید فیلم سرمایه‌گذاری کرده بود؛ از جمله شش میلیارد تومان در تولید سریال تلویزیونی شهرزاد.

بخشی از سرمایه‌های محمد امامی، اعتباری بوده که از صندوق ذخیره فرهنگیان گرفته است. شریک محمد امامی در این مسیر، همسر دوم «شهاب الدین غندالی»، مدیرعامل صندوق ذخیره فرهنگیان بود. آن‌ها پس از رسانه‌ای شدن تخلفات این صندوق، تلاش می‌کنند با واگذاری یک زمین، بدهی خود را تسویه کنند ولی ارزش زمین کمتر از بدهی آن‌ها بوده و پرونده باز می‌ماند. وام دریافتی با سود یک و نیم درصد که از طریق همسر دوم شهاب‌الدین غندالی دریافت شده، ۸۰۰ میلیارد تومان بوده است.

بازیگر اصلی اما این دو نفر نیستند؛ خانواده محمد امامی در قم و تهران پشتوانه مذهبی دارند. اما پشتوانه اصلی آن‌ها، خانواده آیت‌الله «سید محمود هاشمی شاهرودی»، رئیس سابق قوه قضائیه حکومت اسلامی است.

هاشمی شاهرودی ۱۲ فرزند دارد؛ پنج پسر و هفت دختر. در طول هشت سال گذشته همواره فعالیت‌های اقتصادی یکی از فرزندان آیت‌الله و دامادش حاشیه ساز بوده است. فرزند آیت‌الله که محمد امامی با او ارتباط دارد، «سید محمدباقر هاشمی شاهرودی» است. او در میان فرزندان آیت‌الله از همه فعال‌تر است و رتق و فتق کارهای پدر را بر عهده دارد. محمدباقر هاشمی شاهرودی، عضو هیات رئیسه دانشگاه «عدالت» است که زیر نظر پدرش اداره می‌شود و یک مفسد اقتصادی دیگر، یعنی «محمدشریف ملک‌زاده» هم عضو هیات مدیره آن است.

مثلت شهاب‌الدین غندالی، محمد امامی و محمدباقر هاشمی شاهرودی، مرکز ثقل مفساد صندوق ذخیره فرهنگیان بوده است. این سه نفر، محمد امامی و شهاب‌الدین غندالی در بازداشت بهسر می‌برند ولی کسی زورش به محمد باقر هاشمی نمی‌رسد.

شهاب‌الدین غندالی که مدیر مورد اعتماد وزرای اصلاح‌طلب آموزش و پرورش است، یک حلقه ارتباطی بین تیم هاشمی شاهرودی و اصلاح‌طلبان هم محسوب می‌شود.

اما در گزارشات روزهای اخیر با مشکلات پیش‌آمده مطرح شده که برای محمد امامی، آن‌ها تصمیم دیگری گرفته‌اند و سرمایه‌گذاری بخش دوم سریال شهرزاد توسط شرکت «تصویرگستر پاسارگاد» انجام شده است.

مهره اصلی شرکت در بدو تأسیس، «علی اسدزاده» بود. محمد امامی بر اساس اسناد شرکت، مرداد ۹۳ به‌عنوان عضو هیات مدیره آن انتخاب شده است. او پس از ورود به شرکت، به‌عنوان رئیس هیات مدیره انتخاب می‌شود؛ جای علی اسدزاده. اسدزاده هم مدیرعامل می‌شود.

او البته با نزدیکان «محمدباقر قالیباف»، شهردار تهران ارتباط خوبی دارد و هم با نزدیکان «اسحاق جهانگیری»، معاون اول رئیس جمهوری؛ به‌ویژه با پسر اسحاق جهانگیری.

از این منظر، «محمدهادی رضوی»، شریک سریال «شهرزاد ۱» گفته بخش دوم شهرزاد هم با سرمایه محمد امامی تهیه می‌شود.

محمدهادی رضوی داماد «محمد شریعتمداری»، معاون اجرائی رئیس جمهوری ایران و فرزند «سیدسعید رضوی» است. پدر او در دهه ۶۰، یکی از کارد به‌دست حکومت اسلامی بود که مدتی در کمیته‌های ضد‌مردمی فعالیت می‌کرد و بعد به‌عرصه فروش محصولات سیستم‌های رسانه‌ای «سنهابزر» وارد و به‌تجارت مشغول شد.

سیدسعید رضوی سال ۶۳ شرکت «بعثت» را اداره می‌کرد و از سال ۷۰ با تأسیس شرکت «سیستم‌های رسانه‌ای بعثت»، در تولید تجهیزات مدار بسته و سیستم‌های امنیتی و حفاظت الکترونیکی هم فعال شد. محمدهادی رضوی

به‌تبعیت از پدرش، سال ۹۰ شرکت «صنعتی آینده‌سازان فاطمی» را تأسیس کرد و در حوزه ساخت سالن همایش و سیستم‌های امنیتی و حفاظتی و ایجاد کارخانه‌های صنایع تولید استودیو فعالیت خود را آغاز کرد. با این حال، او از سال ۹۳، فعالیت تجاری خود را به‌حوزه‌های دیگر نیز گسترش داد.

محمدهادی رضوی کارش در حوزه سینما را با همکاری «الیاس قالیباف»، فرزند محمدباقر قالیباف شروع کرد در دفتری واقع در «سعادت آباد» تهران که گویا با «دست و دل‌بازی» شهردار نصیب‌شان شده بود. علاوه بر رابطه خوب پدرش با بازاریان تهران، به‌ویژه موتلفه‌ای‌ها که در بالا کشیدن پسر نقش داشت، پیوند او با الیاس قالیباف هم برای محمدهادی رضوی یک پل مهم بود. اما به‌گفته منابع مختلف، علاوه بر این ارتباطات، «زهره کاظمی»، معاون محمدهادی رضوی هم نقش مهمی در ارتقای موقعیت او داشته است. همسر زهره کاظمی از کارمندان بیت رهبر حکومت اسلامی بوده و نقش ویژه‌ای در تقویت ارتباطات محمدهادی رضوی ایفاء کرده است.

محمدهادی رضوی، البته یک پارتی دیگر هم در بیت سیدعلی خامنه‌ای دارد؛ پدر همسرش، محمد شریعتمداری که سال‌ها است از معتمدان اصلاح‌طلب رهبر حکومت اسلامی محسوب می‌شود.

محمدهادی رضوی، علاوه بر فعالیت‌های سینمایی، به‌معاملات نفتی هم می‌پردازد. او در این معاملات بیش‌تر نقش دلالی را بازی می‌کند.

محمدهادی رضوی، در عین حال دلال معامله فروش روغن (سوخت) کشتی به «شرکت ملی نفتکش ایران» و فروش روغن خودرو و گریس به «ایران خودرو» بوده است. او در این قراردادها، مأمور و دلال شرکت «نفت پارس» بوده است. نفت پارس یکی از شرکت‌های وابسته به «ستاد اجرائی فرمان امام» است. این ستاد زیر نظر آیت‌الله خامنه‌ای اداره می‌شود و محمد شریعتمداری، پدر همسر محمدهادی رضوی، عضو هیات امنای این ستاد است. محمدهادی رضوی قرارداد این دلالی‌ها را در زمان تحریم‌ها که واردات برخی اقلام به‌ایران دشوار شده بود، بسته بود.

محمدهادی رضوی پس از کنار کشیدن از سریال شهرزاد، به‌دنبال علاقه‌های خودش مانند برگزاری «جشنواره مدافعان حرم» و یا پی‌گیری مراسم مذهبی «بدرقه فاطمی» رفت ولی با شروع به‌کار «شهرزاد ۲»، دوباره وارد میدان شده است. او در حال حاضر به‌شدت درگیر برند سریال شهرزاد است؛ برندی که به‌ادعای او، ۱۵ میلیارد تومان فروخته شده و با توجه به قرارداد اولیه وی با محمد امامی، حداقل باید هفت و نیم میلیارد تومان از این مبلغ به محمدهادی رضوی برسد.

در حال حاضر مشخص نیست دقیقاً سرمایه‌گذاران «شهرزاد ۲» از محل همین فروش برند در حال تأمین سرمایه تولید سریال هستند یا دست به دامن «آقازاده» دیگری شده‌اند.

محمدهادی رضوی پنجم اسفند [حوت] ۱۳۹۳، یعنی هنگامی که برای عضویت در هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران ثبت نام کرده بود تا به‌قول خودش، برود جریانی جدید ایجاد کند و لابی ثروت «شیعه» را در مقابل لابی سرمایه «صهیونیست»‌ها راه بیاندازد، گفته بود: «دیگر خسته شده‌ایم که خطکشی اصول‌گرا و اصلاح طلب کنیم. باید همه زیر یک سایه برای منافع ملی جمع شویم.» او به‌این وعده خود عمل کرد و سریال شهرزاد نمونه بارز و برجسته‌ای از جمع‌شدن زیر سایه منافع «ملی» است؛ یعنی منافع جیبی آقازاده‌ها!

سینماپرس، شنبه ۱۷ مهر [میزان] ۱۳۹۵، نوشته است: «به‌هر حال بدون در نظر گرفتن سرنوشت اتهامات آقای محمد امامی، این دست اتفاقات باید تجربه‌ای برای اهالی محترم سینما باشد تا برای ورود افراد به سینما به‌جز سرمایه و حساب بانکی به‌ویژگی‌های دیگری مثل حسن شهرت و همچنین شفافیت فعالیت‌های سرمایه‌گذار نیز توجه کنند تا از سوءاستفاده‌های احتمالی با پوشش کار فرهنگی جلوگیری شود.

خبرگزاری دیگری نوشته است: «معمولا آقازاده‌های ثروتمند در عرصه‌های هنری در نقش سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده ظاهر می‌شوند؛ گاهی فیلم سینمایی تهیه می‌کنند؛ گاهی وارد دنیای موسیقی می‌شوند و آلبوم موسیقی تولید می‌کنند و گاهی هم در نقش مجموعه‌دار آثار هنری ظاهر می‌شوند.

اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه هفتاد دورانی بود که شاهد ظهور قشری خاص در کشور بودیم. قشری که با توجه به نفوذ در راس قدرت، توانست شریک ثروت طبقه اشراف نیز شود و واژه «آقازاده» را به ادبیات سیاسی کشور اضافه کند. بسیاری از کارشناسان معتقدند که با جمع دو پدیده «ثروت‌مندی» و «نسب‌مندی سیاسی»، فرد آقازاده می‌شود. آقازاده‌ها پیش از این با استفاده از رانتی که داشته‌اند تنها در عرصه اقتصادی فعال بودند و میل چندانی به حضور در عرصه سیاست نداشتند و از سال ۸۴ بود که رفته‌رفته سرخ‌هائی از حضور این افراد در جریان‌های سیاسی و انتخاباتی به چشم خورد.

اما چند وقتی است سر و کله آقازاده‌ها در عرصه‌های فرهنگی هنری هم پیدا شده و پایشان به‌مجامع و محافل هنری باز شده و هر چه به «انتخابات» ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ نزدیک می‌شویم، حضورشان محسوس‌تر و پررنگ‌تر می‌شود. معمولا آقازاده‌های ثروتمند در عرصه‌های فرهنگی و هنری در نقش سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده ظاهر می‌شوند؛ گاهی هم در نقش مجموعه‌دار آثار هنری ظاهر می‌شوند و تابلوهای نقاشی جابه‌جا می‌کنند. گاهی حتی کانالی هم به‌مطبوعات می‌زنند و روزنامه‌ها و مجلات هنری راه‌اندازی و هدایت می‌کنند.

محسن چاوشی که این روزها به‌لحاظ مخاطب حداقل حرف اول را در میان خوانندگان موسیقی پاپ ایران می‌زند، چندی پیش آلبوم «امیر بی‌گزند» را منتشر کرد. جالب این‌جاست که فرزند سر لیست اصلاحات در مجلس دهم سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده این آلبوم موسیقی بوده است: «فرزند محمدرضا عارف».

فرزند مدیر مسئول روزنامه اعتماد اما هم در حوزه سینما فعال است و هم در حوزه رسانه. اهالی هنر و رسانه اولین‌بار چهره این آقازاده را در نشست خبری فیلم «خداحافظی طولانی» در جشنواره فیلم فجر دیدند. «نیم‌رخ‌ها» هم دیگر فیلمی بود که فرزند نماینده مجلس دهم تهیه‌کننده آن بوده است. او همچنین آلبوم صوتی «آهوی بخت من گزل» محمود دولت‌آبادی به کارگردانی مانی حقیقی را تهیه کرده است.

جلال رسول‌اف یکی از شاخص‌ترین چهره بانکی ایران به‌شمار می‌آید. او هشت سال مدیر عامل بانک کشاورزی در دوران اصلاحات بود و همچنین مدیرعاملی بانک‌های اقتصاد نوین و کارآفرین را برعهده داشته و هم اکنون هم مدیرعامل بانک آینده است. فرزند او اما در حوزه موسیقی بسیار فعال است. این آقازاده تهیه‌کننده گروه‌های نوظهور موسیقی تلفیقی مانند «پالت»، «بمرانی»، «داماهی»، «کاربن» و ... است. او همچنین دو دوره فستیوال موسیقی «آینه‌دار» را در تهران برگزار کرده است.

علیرضا تابش‌زاده که هم‌اکنون مدیرعامل بنیاد فارابی است، برادر بزرگ‌تر محمدرضا تابش نماینده کنونی مجلس دهم است. وی همین‌طور خواهرزاده رئیس‌جمهور سابق ایران «محمد خاتمی» است. او از سال ۷۶ تا ۸۴ دبیری شورای معاونان وزارت ارشاد را بر عهده داشت و همچنین از سال ۷۸ تا ۸۴ سرپرست دفتر وزارتی ارشاد بود و در همین زمان مدیرکل حوزه وزارتی و روابط عمومی وزارت ارشاد و مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را نیز بر عهده داشت.

سید محمد بهشتی معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (۱۳۸۳-۱۳۷۶) بوده و از ابتدای انقلاب ۵۷ تاکنون سمت‌های متعددی داشته است. اما پسر او هم در

عرصه هنر حضوری جدی دارد. اوکه پیش‌تر بهره‌بردار کافه موزه موسیقی ایران (به‌ریاست علی مرادخانی معاون امور هنری ارشاد) بود، هم‌اکنون در حوزه ادبیات فعالیت می‌کند و مدیریت شهر کتاب فرشته را بر عهده دارد.

علی مرادخانی هم‌اکنون معاون امور هنری وزارت ارشاد و مدیر عامل موزه موسیقی ایران است. پسر وی مدتی بهره‌بردار کافه موزه تحت مدیریت او بود و در غیاب پدر هم مسولیت اداره موزه بر عهده این آقازاده بود. ضمن این که او در غالب اجراهای زنده تئاتر و موسیقی تهران نیز حضور مئیافت و در بسیاری از مناسبات دفتر امور هنری ارشاد نقش پررنگی داشته است. البته او چند وقتی است کمتر رویت می‌شود. ضمن این که پسرخواهر (مهدی حسنی) و برادر همسر (جلال مشفق) علی مرادخانی نیز هم‌اکنون در معاونت هنری ارشاد مشغول فعالیت هستند.

هر دو پسر مجید ملانوروزی مدیر کل مرکز هنرهای تجسمی ارشاد، در این رسته از هنر فعالیت جدی دارند و دستی هم بر آتش بازار داغ جابه‌جائی و خرید و فروش آثار هنری در ایران دارند. چندی پیش اخباری غیررسمی مبنی بر رایزنی و بازاریابی پوریا ملانوروزی برای فروش آثاری از پیکاسو، دالی، وار هول، ژازه، عربشاهی و دیگر هنرمندان نامی داخلی و خارجی، شنیده شد.

با نزدیک‌شدن به انتخابات ریاست جمهوری، بار دیگر جامعه ایران شاهد فعالیت این آقازاده‌ها که حال به‌واسطه «ثروت» و «نسب سیاسی در قدرت» وارد عرصه‌های هنری کشور شدند، خواهد شد.

مثال‌های دیگری نیز از حضور آقازاده‌ها در عرصه‌های فرهنگی و هنری می‌توان زد و قطعاً هرچه بیش‌تر به‌زمان انتخابات نزدیک بشویم، نام آنان را بیش‌تر و بیش‌تر شنیده خواهد شد. کسانی که همواره هنر متعهد و هدف‌مند را محکوم می‌کنند و حرف از عدم استفاده ابزاری از هنر و هنرمند می‌زنند، رفته‌رفته حضورشان را در محافل هنری پررنگ‌تر می‌کنند تا از ظرفیت‌های هنرمندان و پایگاه‌های اجتماعی آن‌ها، در جهت پیش‌برد اهداف سیاسی و انتخاباتی حاکمان، بهره ابزاری ببرند.

اگر چه بهره‌برداری از رانت یعنی سوءاستفاده مالی با استفاده از موقعیت شغلی و اختلاس و پارتی‌بازی از دیر باز وجود داشته و منحصر به یک کشور خاص نمی‌شود اما این واژه به‌همین شکل و مفهوم امروزی از چندی پیش وارد ادبیات سیاسی جامعه ما شده و نوسانات مختلفی را طی کرده است که نقطه اوج و شدت این بحث را هم‌زمان با آغاز انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری شاهد بودیم درست زمانی که آیت‌الله جنتی در خطبه‌های نماز جمعه تهران، موضوع امپراطوری‌های نفتی را مطرح نمودند و به‌دنبال این حرکت سخنانی از انواع رانت در صنایع فولاد، شکر، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای وابست به حاکمیت و برخی از وزارتخانه‌ها به‌میان آمد و بسیاری از افراد در مظان اتهام قرار گرفتند. اما سران و مقامات حکومتی، همواره تلاش کردند این بحث را در دادگاه‌های ساهنگی و مضحک و نمایشی و سیاسی و جناحی‌کردن ماستمالی کنند. ولی عملاً تاکنون به‌صراحت متخلفی را مجازات و به‌جامعه معرفی نکرده‌اند حتی بر سر انتشار اسامی مفسدان نیز سرگرم چانه‌زنی بوده‌اند.



به گزارش اکو فیلم، شنیده‌ها حاکی از این است یکی از تهیه‌کنندگان سریال شهرزاد به اتهام دخالت در فساد مالی صندوق فرهنگیان در بازداشت است.

«شهرزاد» یکی از بزرگترین سریال‌های شبکه خانگی است که توانسته مخاطبان زیادی پیدا کند تا جایی که تهیه‌کنندگان و مؤسسه پخش این سریال دست به بازنشر دوباره برخی از قسمت‌های اولیه این سریال زدند. کارگردانی این سریال را «حسن فتحی» به عهده دارد.

بعد از خبر دستگیری سید محمد امامی، تهیه‌کننده سریال شهرزاد با اتهام تخلف مالی، شایعاتی مبنی بر تغییر نام سریال «شهرزاد» راه افتاده است.

به گزارش ایمن، شنبه ۸ آبان ۱۳۹۵، چند روز پیش بود که ترانه علی‌دوستی، بازیگر نقش شهرزاد در واکنش به شایعه تغییر نام و توقف سریال در مطلبی را در صفحه شخصی خود با این مضمون انتشار داد: «فصل دوم شهرزاد یک ماه است در حال فیلم‌برداری‌ست، هر خبری هم شد خودمان در اختیاران می‌گذاریم، نگران نباشید و به شایعات توجه نکنید. خبرگزاری‌ها چاره‌ای جز خلاقیت ندارند چون همان‌طور که می‌دانید سوژه خبر در این مملکت خیلی کم است. به اینها می‌گوئیم رسانه‌های مجبور...».

بعد از پیام علی‌دوستی، نادر فتورچی، روزنامه‌نگاری که در آخرین جنجال رسانه‌ای خود با شکایت بهاره رهنما و پیمان قاسم‌خانی به علت آن‌چه یادداشت‌هایی فیس‌بوکی علیه رهنما و متهم کردن او به فرصت‌طلبی برای مطرح شدن خوانده می‌شود، شناخته شده بود، اکنون در فضای مجازی به سراغ ترانه رفته و سؤالاتی را از او پرسیده که بی‌جواب هم نمانده. متن سؤالات فتورچی به شرح زیر است:

«۶ پرسش از خانم فمینیست:

ترانه علی‌دوستی مطلبی در اینستاگرام گذاشته و از در راه بودن «شهرزاد ۲» خبر داده و گفته است: «نگران نباشید و به شایعات توجه نکنید».

او نیز همچون مقامات، «رسانه‌ها» را عامل اصلی دامن زدن به شایعات می‌داند و با زبانی طعنه‌آمیز می‌گوید: «سوژه خبر در این مملکت خیلی کم است، به اینها می‌گوئیم رسانه‌های مجبور».

در انتهای مطلب نیز ایشان آیکون سمبولیک «فمینیسم» را به متن ضمیمه کرده‌اند. سوای توصیه اکید به مطالعه کامنت‌ها، اینکه هیچ یک از آن ۴/۱ میلیون نفر «فالوئر» ایشان، سؤالات زیر برای‌شان وجود نداشته نیز از نظر این حقیر در حکم «فاجعه» است:

۱- منظور از «شایعات» چیست؟

الف، اختلاس ۸۰۰۰ میلیارد تومانی صندوق ذخیره فرهنگیان؟

ب، ارتباط «تهیه‌کننده» سریال حکومتی شهرزاد با این پرونده؟

ج، دریافت دستمزد میلیونی شما از این «پروژه»؟

۲- اگر کل ماجرای ارتباط سریال شهرزاد و عوامل‌اش با فساد ۸۰۰۰ میلیارد تومانی صندوق ذخیره فرهنگیان «شایعه» است، لطفاً شیوه تأمین «سرمایه اولیه» ساخت این مجموعه را تشریح فرمائید.

۳- چرا ادعای رسانه‌ها «شایعه» است اما ادعای ترانه علی‌دوستی نامی «شایعه» نیست؟

۴- آیا آن زمانی که رسانه‌ها با شما گفت‌وگو می‌کنند، عکس‌تان را روی جلد می‌آورند، دوباره «آخرین کار» و «حال گریه» و «رنگ مورد علاقه»‌تان سؤال می‌کنند هم «مجبور»‌اند یا فقط در صورت افشای پرونده فساد که نام شما را هم به میان می‌کشد «مجبور» تلقی می‌شوند؟

۵- در صورت اثبات ارتباط تهیه کننده سریال شهرزاد با فساد مالی ۸۰۰۰ هزار میلیارد تومانی، موضع شما چه خواهد بود و برای قرار نگرافتن در لیست کسانی که با سریال ساخته شده با «پول کثیف» و «حق بازنشستگی معلمان» همکاری کرده‌اند، چه کاری انجام خواهید داد؟

۶- گذاشتن سمبل/آیکون «فمنیسم» در انتهای این مطلب، آیا برای آن بوده است که در صورت پرسش از ارتباط شما با این پروژه بدنام، پرسش‌گر «ضد فمنیست» دیده شود یا چه؟
و پاسخی که علی‌دوستی در صفحه اینستاگرامی خود منتشر کرد به شرح زیر است:
«سلام جناب فتوره چی، سعی می‌کنم جواب سؤالات شما را به دور از هیجانات لحظه‌ای بدهم، هر چند قبول کنید سخت است.»

۱. منظور من از شایعات در این پست به‌خصوص، خبری بود که دیروز از طرف خبرگزاری فارس منتشر شده بود با این مضمون «عوامل شهرزاد با توجه به‌حواشی پیش آمده پیرامون محمد امامی قصد دارند پول او را پس داده و نام شهرزاد را تغییر دهند تا سریالشان به‌مشکل برنخورد.» ما قصد نداشتیم نام سریال را عوض کنیم، پس دادن یا ندادن پول ایشان هم مراحل قانونی می‌طلبد و مادامی که ایشان در حبس هستند اصلاً مقدور نیست.
ضمن این‌که فارس کلاً از موضوع تصمیمات پروژه بی‌خبر است، پس خبرش اسم شایعه می‌گیرد. با این توضیح منظور از شایعه هیچ‌یک از چیزهایی که شما شمردید نبود.

در باره مورد ب: دستمزد همه بازیگران میلیونی است آقای فتورمچی، همه جای دنیا. من یازده ماه سر شهرزاد کار کرده‌ام و حقوق ماهیانه گرفته‌ام و رقم ماهیانه‌ام از بسیاری از هنرپیشگان مملکت کمتر بوده. بنابراین با معیارهای شغلی ما این رقم جای خجالت ندارد.

۲. محمد امامی به‌اتهام دخالت در صندوق فرهنگیان در پرونده‌ای هشت هزار میلیاردی در بازداشت است. پرونده‌ای که فقط شامل حال ایشان نیست. سریال شهرزاد فاز اولش سه سال پیش در یک مؤسسه فرهنگی فعال (تصویر گستر پاسارگاد) شروع شده با دو سرمایه‌گذار نه فقط ایشان. مبلغ ساخت این سریال ۱۴ میلیارد تومان بوده، دو میلیارد تومان بیشتر از سریال شاه‌گوش و ۹۸ میلیارد تومان کمتر از پروژه محمد رسول‌الله یا مبلغی تقریباً معادل فیلم توقیف شده رستاخیز. این ارقام برای ساخت پروژه‌ای در این سطح عجیب نیستند اما قبول کنید هر قدر هم رانت در آن‌ها دخیل باشد بسیار کمتر از آنند که کسی برایشان هشت هزار میلیارد اختلاس کند. ما هم مثل شما هنوز نمی‌دانیم آن مبلغ به‌خصوصی که خرج ساخت شهرزاد شده دقیقاً و تحقیقاً آلوده به‌همین پولی که شما می‌گوئید و برای گریه گرفتن از جمع نام حقوق معلمان را روی آن می‌گذارید هست یا خیر. ما هم در تعلیق و برای روشن‌شدن این قضیه نیاز است آقای امامی هم به‌شان اعلام جرم شود هم دادگاه‌شان تشکیل شود هم ما به‌ایشان دسترسی داشته باشیم لااقل تا بفهمیم. ما هم از این خبر مثل دیگران غافلگیر شده‌ایم چه باور بکنید و چه نه.



پیش‌تر محمدهادی رضوی سرمایه‌گذار سریال «شهرزاد» با اشاره به این مجموعه بیش‌تر در بستری عاشقانه روایت شده بیان کرد که مسایل سیاسی را باید برای ژانرهای سیاسی تعریف کرد و «شهرزاد» را نباید قربانی مسایل سیاسی کرد.

سیدمحمدهادی رضوی در گفتگو با [خبرنگار مهر، جمعه ۱۶ بهمن ۱۳۹۴](#)، با اشاره به نگارش طرح سری دوم و سوم سریال «شهرزاد» در شبکه نمایش خانگی گفت: ما از همان روز اول که پروژه سریال «شهرزاد» را به کارگردانی حسن فتحی راه انداختیم به فصل‌های دوم و سوم این مجموعه براساس بازخوردهای مردمی نیز فکر کردیم. سرمایه‌گذار سریال «شهرزاد» با اشاره به جذابیت سریال‌های ماهواره‌ای برای مردم عنوان کرد: باید دقت کرد که چرا ماهواره‌ها مخاطب را به خود جذب می‌کنند به این دلیل که به مسایل سیاسی نمی‌پردازند. مسایل سیاسی را باید برای ژانرهای سیاسی تعریف کرد و به نظر من «شهرزاد» را نباید قربانی مسایل سیاسی کرد. حتی اوایل کار وقتی دو اسم مطرح می‌شد عده‌ای سریال را به جبهه ملی منتسب می‌کردند، یا آهنگ محسن چاووشی را عده‌ای روی مضامینی قرار می‌دهند که ارتباطی ندارد البته شبکه افق این قطعه را برای شهادی حرم اجرا کرده بود که خیلی بهتر بود و همذات‌پنداری بیش‌تری می‌شد.

او در ادامه تأکید کرد: ما اکنون فضای انتخابات را هم داریم و اگر وارد حوزه سیاسی می‌شدیم هرگونه دستاویزی از این سریال صورت می‌گرفت بنابراین ترجیح دهیم که وارد این فضای سیاسی نشویم و تنها اولویت‌مان این بود که مردم را از پای ماهواره‌ها که عربستان و صهیونیسم برای آن هزینه می‌کنند، دور کنیم. همان‌طور که پیش از این هم گفته‌ام ساخت سریال «شهرزاد» برای مبارزه با صهیونیسم فرهنگی است.

در صحنه‌ای از قسمت هفدهم سریال شهرزاد، از عکس دوران بازداشت حسین شریعتمداری در زندان ساواک در کنار تصاویری از چند هنرپیشه که نقش اعضای زندانی حزب توده را به عهده داشتند استفاده شده بود. سیدمحمدهادی رضوی، تهیه‌کننده سریال با ارسال نامه‌ای به حسین شریعتمداری، درباره این خطا توضیح داده است.

«نگارنده حقیر این نامه به واسطه خطای سهوی در طراحی صحنه قسمت هفدهم سریال شهرزاد که بعد از پخش متوجه شدم که تصویری از سال‌های اسارت شما مبارز و اسطوره انقلابی در کنار عده‌ای از مبارزان دوره پهلوی که شاید شائبه شیطننت رسانه‌ای در کنار قرار گرفتن مبارزان توده‌ای را داشته باشد بر خود بسیار متاثر گردیدم.

استاد بزرگوار، من در مکتبی در مدارس مذهبی درس خوانده‌ام به نام شهادی موقوفه اسلامی و موظف به ادامه راه مبارز نستوه و جهادی آقای حبیب‌اله عسکراولادی هستم که شما را سردار قلم خطاب نمودند. جالب است عوامل سریال و به خصوص آقای حسن فتحی کارگردان مجموعه تلویزیونی شب دهم که خود را مشمول لطف شما بزرگوار در آن مجموعه می‌داند از پاسی از شب گذشته با متوجه شدن این خطا بارها به این حقیر فرمودند که طی جلسه‌ای حضورا توضیح عرض عذرخواهی داشته باشند.

ولی اکنون مجالی شد تا کمی با آن استاد عزیز از دل سخن بگشایم، از روز ابتدای حضور در این پروژه عظیم فکر مقابله با شبکه‌های صهیونیستی امثال GEM و... بودیم که مردم عزیز به جای دیدن سریال‌های مبتذل صهیونیستی ترکیه‌ای از تولیدات فاخر ایرانی استفاده کنند و اکنون به لطف و برکت ائمه هدی سلام‌الله‌علیهم سریال شهرزاد دارای مخاطبی میلیونی در داخل و خارج از کشور گردیده است که به جرات اولین بار است در تولید تاریخ سریال‌سازی در جمهوری اسلامی ایران ما با قدرت پخش بالا مخاطبین زیادی در سرتاسر جهان از ایرانیان عزیز جذب نموده است. (البته قابل یادآوری است که بسیاری از نقاط ضعف هم وجود دارد که در پروژه‌های بعدی حتما باید مرتفع گردد.)

سریالی که هر روز دشمنان، یکبار به بهانه شبیه سازی با فتنه صهیونیستی ۸/۸، یکبار با بهانه حکومتی بودن این اثر، یکبار به بهانه مقابله با صدا و سیما یک روز تشویق و یک روز دشمنی می کردند که در هر صورت به دنبال تضعیف آثار فرهنگی الف ویژه کشورمان هستند ولی سرور عزیزم می گویند عدو شود سبب خیر ... که من حقیر جمله ای را که سال ها منتظر گفتنش در عرصه های عمومی بودم خطاب به شما سرور نازنینم بگویم... با جرات می گویم ای کاش خدا به من هم روزی توفیق دهد در عرصه حمایت از انقلاب، حسین شریعتمداری دیگری و خار چشم دشمنان نظام مقدس باشم. چه کسی خوشش بیاید، چه کسی خوشش نیاید».



یزد فردا: تعریف و تمجیدهای اخیر سیدمحمد هادی رضوی (فردی که به عنوان اسپانسر سریال شهرزاد از او یاد می شد) از مدیر مسئول کیهان باعث شد تا حسن فتحی کارگردان سرشناس این سریال در نامه ای این اظهارات را تکذیب و از گفته های وی تبری جوید.

«ایران آنلاین»، خبرداد نامه شدیدالحن فتحی پس از آن نوشته شد که رضوی در توضیح عکسی که مدیر کیهان را در این سریال کنار زندانیان توده نشان می داد، به عذرخواهی از حسین شریعتمداری پرداخت و حتی از وی با القابی مثل سردار قلم یاد کرد.

فتحی در نامه خویش که خطاب به سیدمحمد امامی تهیه کننده و سرمایه گذار سریال نوشته شده است عملاً ادعاها درباره اسپانسر بودن رضوی را مردود می شمارد و می گوید عوامل این سریال در صورت تکرار دخالت های بیرونی، کار ساخت آن را متوقف خواهند ساخت.

متن این نامه کارگردان سریال شهرزاد به شرح زیر است:

جناب آقای سید محمد امامی تهیه کننده محترم سریال شهرزاد

متأسفانه اخیراً، انتشار مواضع رسانه ای افراد غیرمسئول درباره اینجانب و سریال شهرزاد موجب بروز مسایلی گشته است که در ارتباط با آن ها تذکر چند نکته ضروری است:

۱- بنابر روال و قاعده مرسوم، در صورت بروز هر موضوع شبهه برانگیز حسب مورد تنها تهیه کننده و کارگردان یک سریال، موظف به ادای توضیحات لازم و رفع ابهام در آن زمینه هستند.

۲- هرگونه اظهارنظر شخصی افراد مرتبط با سریال و نقل قول های کذب و بدون اطلاع از طرف اینجانب، مغایر با اخلاق و رفتار حرفه ای است.

۳- طرح اظهارنظرهای حاشیه ساز در رسانه ها و مآلاً طرح موضوعات سیاسی که مفهوماً هیچ ارتباطی با داستان ساده و عاشقانه این سریال ندارد، خلاف انصاف بوده و تنها موجب تشویش اذهان عمومی خواهد شد.

۴- به سبب این که در بدو توافق برای ساخت این سریال، تصور نمودم تنها با جنابعالی به عنوان تهیه کننده و سرمایه گذار، همکاری خواهم داشت از این رو در کمال احترام اگر قرار باشد هر فردی به جز شما در مقام تهیه کننده در هر مورد دست به تفسیر ناصحیح از گفته و ناگفته های من بزند با کمال احترام ناگزیرم از همکاری برای ساخت

قسمت‌های بعدی سریال، انصراف بدهم تا به مصداق «گنه کرد در بلخ آهنگری، به شوشتر زدند گردن مسگری» قربانی موضع‌گیری‌های پرحاشیه این قبیل افراد نشوم. حسن فتحی- کارگردان سریال شهرزاد محمدهادی رضوی داماد «محمد شریعتمداری»، معاون اجرایی رئیس جمهوری ایران و فرزند «سیدسعید رضوی» است. پدر او از انقلابی‌های دهه ۶۰ بود که مدتی در کمیته‌های انقلاب اسلامی فعالیت می‌کرد و بعد به عرصه فروش محصولات سیستم‌های رسانه ای «سنهایزر» وارد و به تجارت مشغول شد.

سیدسعید رضوی سال ۶۳ شرکت «بعثت» را اداره می‌کرد و از سال ۷۰ با تأسیس شرکت «سیستم‌های رسانه‌ای بعثت»، در تولید تجهیزات مدار بسته و سیستم‌های امنیتی و حفاظت الکترونیکی هم فعال شد. محمدهادی رضوی به تبعیت از پدرش، سال ۹۰، شرکت «صنعتی آینده‌سازان فاطمی» را تأسیس کرد و در حوزه ساخت سالن همایش و سیستم‌های امنیتی و حفاظتی و ایجاد کارخانه‌های صنایع تولید استودیو فعالیت خود را آغاز کرد. با این حال، او از سال ۹۳، در حوزه‌های دیگر نیز مشغول کارهای تجاری شد.

محمدهادی رضوی، کارش در حوزه سینما را با همکاری «الیاس قالیباف»، فرزند محمدباقر قالیباف شروع کرد در دفتری واقع در «سعادت آباد» تهران که گویا با «دست و دل بازی» شهردار نصیب‌شان شده بود. علاوه بر رابطه خوب پدرش با بازاریان تهران، به‌ویژه موتلفه‌ای‌ها که در بالا کشیدن پسر نقش داشت، پیوند او با الیاس قالیباف هم برای محمدهادی رضوی یک پل مهم بود. اما به گفته «منابع» دیگری که نام آن‌ها اعلام نشده است، علاوه بر این ارتباطات، «زهره کاظمی»، معاون محمدهادی رضوی هم نقش مهمی در ارتقای موقعیت او داشته است. همسر زهره کاظمی از کارمندان بیت رهبر جمهوری اسلامی بوده و نقش ویژه‌ای در تقویت ارتباطات محمدهادی رضوی ایفا کرده است.

سرمایه‌گذار دیگر این سریال نیز «سیدهادی رضوی»، داماد محمد شریعتمداری معاون اجرایی رئیس جمهور روحانی با سرمایه‌گذاری در سریال شهرزاد وارد عرصه تهیه‌کنندگی شد. این دو توانسته بودند بودجه ۱۲ میلیارد تومانی ساخت فصل اول سریال را تأمین کنند که به گفته رضوی «بزرگترین و پرهزینه‌ترین» مجموعه تاریخ سینما و تلویزیون ایران در بخش خصوصی بود.

در پی بازداشت محمد امامی شایعاتی حاکی از توقف ساخت فصل دوم شهرزاد قوت گرفت. اما ترانه علی‌دوستی بازیگر نقش شهرزاد در رد آن‌ها در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام نوشت که فصل دوم شهرزاد یک ماه است در حال فیلم‌برداری است. او از علاقمندان به شهرزاد خواست که «نگران» نباشند و به «شایعات» توجه نکنند. در آخر هم گفت: «خبرگزاری‌ها چاره‌ای جز خلاقیت ندارند چون همان‌طور که می‌دانید سوژه خبر در این مملکت خیلی کم است».

بعد از این پست اینستاگرامی بود که نادر فتوره‌چی، روزنامه‌نگار و مترجم در صفحه فیس‌بوک خود با خطاب قرار دادن علی‌دوستی به‌عنوان فمینیست از او خواست منظورش را از شایعه خواندن این خبرها و نظرش را درباره ارتباط اختلاس هشت هزار میلیارد تومانی با سریال شهرزاد بیان کند.

با پاسخ ترانه علی‌دوستی و بگومگویی که پس از آن در شبکه‌های اجتماعی در گرفت، شماری از روزنامه‌نگاران و سینماگران نیز در این مورد اظهار نظر کردند.

ابتدال در سینمای ایران، بیش از سه دهه است که به‌موضوع روز تبدیل شده و امروز علاوه بر مشکل فیلم‌های مبتذل جنگی با هدف شستشوی مغزی جوانان و آموزش جنگی به آن‌ها، نقد بسیاری از افراد و حتی برخی بازیگران را به دنبال دارد، پشت پرده مفسده پیشنهادات بی‌شرمانه به بازیگران نیز وجه جدید این ابتدال شده است.

به گزارش اتاق خبر، موضوع فساد در سینمای ایران اولین بار توسط پرستو صالحی یکی از بازیگران زن در سال ۱۳۹۱ مطرح شد. پرستو صالحی در سال ۹۱ در صفحه فیس‌بوک خود نوشت: «به یک تهیه کننده سرشناسی از سره درد دل گفتم: دلم به کار طولانی می‌خواد گفت: اون‌ام که بهت کار طولانی بده حال طولانی می‌خواد... من هنوز ایمان دارم که تو هنر مقدس هفتم، هستن انسان‌هایی که بی‌درخواست و نیاز و... فقط و فقط به کارشون فکر می‌کنن و بس و متأسفم از وجود کسانی که هنر پاک آریائی را رو با ناحیه ۱۰ قدیم تهران اشتباه گرفتن...».

پس از این «ماه‌ایا پطروسیان» پیرامون صحبت‌های پرستو صالحی مبنی بر وجود فساد در سینمای ایران به واسطه افراد سودجو، گفت: من کم و بیش این حرف‌ها را شنیده‌ام، البته این حرف‌ها، حرف‌های جدیدی نیست و این اتفاقات، اتفاقاتی است که سال‌هاست رخ می‌دهد. بیش از ۱۵ سال است که بسیاری از سینماگران درباره وضعیت نابسامان سینمای ایران هشدار می‌دهند و صحبت می‌کنند.

امین تارخ نیز گفته است: «دختری را سراغ دارم، بعد از این‌که به‌برخی خواسته‌ها جواب مثبت نداد، او را با قرارداد بسته شده کنار گذاشتند و او بعد از این ماجرا موهایش را از ته تراشید و چند دفعه زمزمه خودکشی سر داد».

آری؛ بی‌توجهی و بی‌اهمیتی به ابتذال پشت پرده سینمای ایران همچنان روندی صعودی در پیش بعد از به‌راه افتادن موج رسانه‌ای و تأیید برخی بازیگران در راستای ابتذال پشت پرده سینمای ایران بود که سخن‌گوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که اتفاقاً ریشه ابتذال در فرهنگ حاکم بر جامعه ایران از جمله عرصه سینما را باید در درون آن جست‌وجو کرد، واکنش نشان داد و گفت: «این‌گونه رفتارها که نشانه خلاء شخصیت و کمبود عاطفی است در واقع انتشار عکس‌های بدون حجاب خودشان را در فضای مجازی برای مردم کار ضد فرهنگی و اخلاقی است و غیرقابل توجیه است. ما انتظار نداریم هنرمندانی که از کنار از همین مردم معروف شدند و جایگاهی پیدا می‌کنند حالا بخواهند به‌باورها و اعتقادات همین مردم بی‌توجه باشند». سخن‌گوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرد: «صدف طاهریان بازیگر سینما برای توجیه رفتار غیراخلاقی خود وانمود می‌کند که همه مشکل دارند».

پس از این بود که فقیهه سلطانی بازیگر سینما و تلویزیون با تأیید بخشی از سخنان صدف طاهریان نوشت: «خانم صدف طاهریان ... حرف‌های شما در مورد عده زیادی از دست‌اندرکاران سینمای ما متأسفانه، متأسفانه و متأسفانه، کاملاً درست و مورد تأیید هست».

پروانه معصومی، این بازیگر نیز با اشاره به این‌که فضای فعلی سینما در دست عده‌ای سودجو و غیرسینمایی است گفت: «به‌جرات می‌توانم بگویم پشت‌صحنه فیلم‌هایی که قبل از انقلاب ساخته می‌شد به‌مراتب از پشت‌صحنه‌های فیلم‌های امروز پاک‌تر و سالم‌تر بود».

فیروز آذر، در گفتگویی اظهار داشت: «با عده بسیاری از کارگردانانی روبه‌رو هستیم که به‌جای آن‌که بازیگران شایسته را در تئاتر یا فیلم‌های شایسته و کلاس‌های آموزشی جست‌وجو کنند و یا حداقل با تست گرفتن و آگاهی به استعداد افراد آن‌ها را شناسایی کنند، در محافل و مهمانی‌ها به‌دنبال کشف بازیگر است، که مسلماً به‌این بی‌اخلاقی دامن می‌زنند. برای این قبیل کارگردانان فرق نمی‌کند که طراح صحنه یا فیلم‌بردار و سایر عوامل چه میزان خلاق و حرفه‌ای هستند بلکه بیش‌تر حواشی کار برایشان مطرح بوده و بر این اندیشه‌اند که تا چه میزان این افراد زیر دست می‌توانند کمبودهای روحی روانی جنسی و مالی آن‌ها را تأمین کنند».

شاهرخ استخری، در راستای ابتذال سینما گفت: «همین الان یک بازیگر جوانی که اول راه است و حاضر است هرکاری بکند، به‌من نشان بدهد تا به او بگویم چه کار کند تا بتوانید ستاره سینما بشود، خیلی هم نیاز به استعداد ندارد، شاید یک خانه مجردی به کارش بیاید».

حمیدرضا پگاه، اظهار داشت: «متأسفانه اکنون بسیاری از افراد برای رسیدن به پول و شهرت سعی می‌کنند وارد عرصه سینما شوند در حالی که هم کسی که برای این کار پول می‌پردازد و همچنین کسی که آن را دریافت می‌کند در نهایت ضرر خواهند کرد».

وی افزود: «پیشنهاد غیراخلاقی و بی‌شرمانه خطاب به بانوان و همچنین پیشنهاد برای دریافت پول‌های کلان در ازای دادن نقش به‌آقایان همواره وجود داشته اما به‌دلیل این‌که این موارد به‌صورت شفاهی مطرح می‌شود نمی‌توان آن‌ها را پیگیری قانونی کرد».

ساناز سماواتی نیز گفته است: «اگر می‌توانی مهمانی‌های شبانه‌ای برگزار کنی یا بروی در مهمانی‌ها؛ می‌توانی کار کنی؛ بقیه اگر کار حرفه‌ای می‌کنند و در این مسائل نیستند کنار گذاشته و به مرور به وادی فراموشی سپرده می‌شوند». سال آخر ریاست‌جمهوری شیخ حسن روحانی، اوج دوره «خصوصی‌سازی فرهنگی» در تاریخ حکومت اسلامی است. حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ در جمع «هنرمندان» حکومت اسلامی ایران در تالار وحدت گفته بود: «کارمند دولتی نمی‌تواند ناظر خوبی برای هنر محسوب شود. نظارت بر سینما، کتاب و موسیقی را باید به اهلس واکذار کنیم. در بحث سانسور و ممیزی باید گروهی از فرهیختگان، هنرمندان و عالمان کنار هم بنشینند و بر هنر نظارت کنند». این‌ها بخشی از سخنان حالا در آخرین سال از دوران ۴ ساله ریاست جمهوری او، «خصوصی‌سازی فرهنگی» در تاریخ حکومت اسلامی ایران به اوج خود رسیده است.

هفته یا ماهی نیست که جشنواره‌های خصوصی موسیقی و تئاتر در ایران برگزار نشود. «بخش خصوصی» با ارقام نجومی «حراج آثار هنری» در تهران برگزار می‌کند. البته با حضور مسئولان دولتی و وزیر ارشاد. تاکنون مسئولان حکومت اسلامی ایران سینما، تئاتر، موسیقی (جشنواره سرودهای «انقلابی؟!»)، کتاب و به‌صورت کلی فرهنگ و هنر را وسیله‌ای برای تبلیغ ایدئولوژی حاکمیت می‌دانستند. اما اکنون صحبت از واگذاری «سانسور هنر و نظارت بر هنرمندان» و به‌دست «هنرمندان بخش خصوصی» است که حکومت آن‌ها را «کاردان» معرفی می‌کند در واقع آقازاده‌هایی هستند که وارد عرصه‌های مختلف هنری شده‌اند تا خصوصی‌سازی حکومت را جنبه عملی دهند! پیش از این حسام‌الدین آشنا مشاور فرهنگی حسن روحانی درباره «واگذاری فرهنگ به بخش خصوصی» گفته بود: «باید کار به‌دست کاردان سپرده شود».

حالا با بحث‌هایی که درباره منابع مالی ناروشن سریال «شهرزاد»، سریالی که ظاهراً به‌دست بخش خصوصی ساخته شده، در فضای مجازی و غیرمجازی آغاز شده است، بار دیگر از تغییر سیاست‌های فرهنگی حکومت اسلامی ایران، به‌بن‌بست خورده است.

اخیراً مشخص شده دو نفر از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی سریال «شهرزاد» به‌صندوق ذخیره فرهنگیان بدهکار بوده‌اند و به‌همین دلیل دستگیر شده‌اند. حسین مقصودی سخن‌گوی فراکسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی مجلس شورای اسلامی به «خانه ملت» (خبرگزاری مجلس شورای اسلامی) گفته محمد امامی و همچنین همسر مدیر بازداشت‌شده صندوق ذخیره فرهنگیان، جزو تهیه‌کنندگان سریال «شهرزاد» بوده‌اند و البته هر دو از بدهکاران به‌صندوق ذخیره فرهنگیان هستند و به‌همین دلیل دستگیر شده‌اند.

یکی دیگر از سرمایه‌گذاران فصل اول سریال «شهرزاد» هادی رضوی است که عناوین مختلفی دارد. او در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر خود را «شاگرد حبیب‌الله عسگر‌اولادی از مؤسسان حزب مؤتلفه اسلامی» معرفی می‌کند. به‌گزارش خبرگزاری حکومتی «تسنیم»، او همچنین داماد محمد شریعتمداری، معاون اجرائی حسن روحانی، و البته رئیس جشنواره فیلم موسوم به «جشنواره مدافعان حرم» است.

محمد‌هادی رضوی، البته یک پارتی دیگر هم در بارگاه سیدعلی خامنه‌ای داشته است؛ پدر همسرش، محمد شریعتمداری که سال‌ها است از معتمدان اصلاح‌طلب رهبر حکومت اسلامی محسوب می‌شود.

محمد‌هادی رضوی علاوه بر فعالیت‌های سینمایی، در معاملات نفتی هم فعال است. او در این معاملات، بیش‌تر نقش دلالی را بازی کرده ولی مشخص نیست در این معاملات با محمد امامی آشنا شده یا از مسیر دیگری این آشنائی رخ داده است.

گفته شده که در یک مورد مشخص، محمد‌هادی رضوی دلال معامله فروش روغن (سوخت) کشتی به «شرکت ملی نفتکش ایران» و فروش روغن خودرو و گریس به «ایران خودرو» بوده است. او در این قراردادها، مأمور و دلال شرکت «نفت پارس» بوده است. نفت پارس یکی از شرکت‌های وابسته به «ستاد اجرائی فرمان امام» است. این ستاد زیر نظر آیت‌الله خامنه‌ای اداره می‌شود و محمد شریعتمداری، پدر همسر محمد‌هادی رضوی، عضو هیات امنای این ستاد است. محمد‌هادی رضوی قرارداد این دلالی‌ها را در زمان تحریم‌های ایران، که واردات برخی اقلام به کشور دشوار شده بود.

محمد‌هادی رضوی پس از کنار کشیدن از سریال شهرزاد، به‌دنبال علاقه‌های خودش مانند برگزاری «جشنواره مدافعان حرم» و یا پی‌گیری مراسم مذهبی «بدرقه فاطمی» رفت ولی با شروع به‌کار «شهرزاد ۲»، دوباره وارد میدان شده است. او در حال حاضر به‌شدت درگیر برند سریال شهرزاد است؛ برندی که به ادعای او، ۱۵ میلیارد تومان فروخته شده و با توجه به‌قرارداد اولیه او با محمد امامی، حداقل باید هفت و نیم میلیارد تومان از این مبلغ به محمد‌هادی رضوی برسد.

در حال حاضر مشخص نیست دقیقاً سرمایه‌گذاران شهرزاد ۲ از محل همین فروش برند در حال تأمین سرمایه تولید سریال هستند یا دست به‌دامن آقازاده دیگری شده‌اند. ولی می‌توان گفت احتمالاً برای بخش اول این سریال، محمد امامی شش میلیارد تومانش را از محل وام صندوق ذخیره فرهنگیان و با سفارش آقازاده هاشمی شاهرودی به‌دست آورده و محمد‌هادی رضوی، شش میلیارد تومانش را از محل دلالی‌های نفتی با سفارش پدر همسرش تأمین کرده است.

محمد‌هادی رضوی پنجم اسفند ۱۳۹۳، هنگامی که برای عضویت در هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران ثبت نام کرده بود تا به‌قول خودش، برود جریانی جدید ایجاد کند و لابی ثروت «شیعه» را در مقابل لابی سرمایه «صهیونیست»‌ها راه بیندازد، یک جمله جالب و شنیده گفته است: «دیگر خسته شده‌ایم که خطکشی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب کنیم. باید همه زیر یک سایه برای منافع ملی جمع شویم». بنابراین، سریال شهرزاد، نمونه‌ای از جمع‌شدن زیر سایه منافع «ملی» است؛ یعنی منافع «ملی» آقازاده‌ها!

ریاکاری و حق‌بازی در نزد سران و مقامات حکومت اسلامی، ریشه عمیقی دارد. برای مثال، صادق آملی لاریجانی سخنان حسن روحانی در نمایشگاه مطبوعات را «افترا و اهانت» به‌قوه قضائیه خواند و رئیس جمهوری را متهم کرد که «شفاهای کتبا» خواستار برخورد با برخی از روزنامه‌ها شده اما در جمع عمومی «ندای آزادی مطبوعات سر» می‌دهد.

به‌گزارش خبرگزاری دولتی ایرنا، صادق لاریجانی روز دوشنبه ۱۷ آبان گفت مخاطب سخنان مطرح شده مبنی بر این‌که «قلم‌ها را به‌بهانه‌های واهی نشکنیم یا دهان‌ها را به‌بهانه‌های غیر اساسی نبندیم»، قوه قضائیه است. لاریجانی این سخنان را نوعی «افترا» و «توهین» به‌قوه قضائیه و تلاش برای «تضعیف» این قوه خواند.

او اضافه کرد: «برادر بزرگوار شما شفاها یا کتبا با واسطه یا بی‌واسطه بارها گفته‌اید که چرا با فلان روزنامه یا فلان سایت برخورد نمی‌کنید یا نزد رهبر معظم انقلاب گلایه می‌کنید که چرا دستگاه قضائی با فلان روزنامه برخورد نکرده است. اما... در بین اهالی مطبوعات و رسانه ندای آزادی مطبوعات سر می‌دهید».

حسن روحانی رئیس جمهوری ایران روز ۱۵ آبان با انتقاد از محدودیت‌های موجود علیه رسانه‌ها در ایران گفته بود که نباید «دهان‌ها را با بهانه‌های واهی» بست، «از قلم شکسته و دهان بسته کاری ساخته نیست» و «امنیت تنها با تفنگ» حفظ نمی‌شود.

روحانی، همچنین «رانت اطلاعاتی را بلای بزرگ در کشور» دانسته و افزوده بود که «چطور از یک پرونده‌ای، یک روزنامه‌ای زودتر از رئیس آن قوه خبر دارد؟ رانت اطلاعاتی برای جامعه ما بلاست».



ایران در آخرین رده‌بندی سازمان گزارشگران بدون مرز در میان ۱۸۰ کشور مورد بررسی در رتبه ۱۶۹ در زمینه آزادی مطبوعات قرار داد. و ده‌هاست که خامنه‌ای به‌عنوان دشمن درجه «آزادی بیان و اندیشه» در جهان معرفی شده است.

امروزه وقتی نامی از حکومت اسلامی ایران، اجتماع و زندگی برده می‌شود ناخواسته در ذهن، اختلاس، سوءاستفاده، رانت‌خواری و حرکت‌هایی مافیای و تبهکارانه تداعی می‌گردد. علت این تصور آن است که نقش حاکمیت در همه شئون زندگی انسان دیده می‌شود؛ از بدو تولد که انسان باید نام خود را در دفتر ثبت احوال ثبت کند و شناسنامه‌ای به‌عنوان برگ شهروندی دریافت کند تا زمانی که برای همیشه چشم از جهان می‌بندد و به‌زیر خاکریز می‌رود، ناگزیر از ارتباط با دستگاه‌های دولتی و غیردولتی که آن‌ها هم زیر نظر دولت هستند، است. حال این که چرا باید بالای سر انسان‌ها، دستگاه مخوفی به‌نام «حکومت و دولت» قرار گرفته باشد خود حدیث دیگری است؟ باید از اجدادمان سؤال کنیم که چرا دستگاهی به‌نام حکومت به‌وجود آوردند؟ به‌علاوه اکنون از خودمان به‌نام شهروندان جهان بپرسیم که چرا سرنوشت خود و جامعه‌مان را به‌دست شاه و شیخ و حزب و یا احزابی می‌سپاریم که زندگی اکثریت ما تباه کرده‌اند؟ مگر خود ما نمی‌توانیم سرنوشت‌مان را مستقیماً به‌دست خویش و مثلاً از طریق مناسبات شورائی و همبستگی انسان‌مان رقم بزنیم؟ مگر آن‌هایی که قدرت را به‌دست می‌گیرند مافوق بشر هستند؟! و...

به‌این ترتیب، تاکنون همه بدبختی انسان‌ها از دست حاکمان و عملکرد آن‌ها بوده است. هم این‌که انسان آزاد به دنیا می‌آید و باید آزاد هم زندگی کند و آزاد هم از دنیا برود. انسان‌ها نباید اجازه دهند که کسانی از بالای سر آن‌ها، در جامعه‌شان و سرنوشت‌شان دخالت کنند. به‌عبارتی يك انسان آگاه، مدرن و امروزی نباید دولتی را بپذیرد؛ در مقابل باید تلاش‌ها برای تغییر وضع موجود در ایران، آن سازمان‌دهی سیاسی-اجتماعی را در پیش گرفت که نمایندگان‌شان هیچ حقوق

ویژه‌ای نداشته باشند و هر موقع کار خطائی انجام دادند عزل شوند و جایشان را نمایندگان با وجدان و با صلاحیت و مورد اعتماد بگیرند.

از جمله مسائلی که ریشه‌ای عمیق با انسانیت انسان دارد، فرهنگ است. فرهنگ هر مفهومی که داشته باشد واژه‌ای است که بیانگر تفاوت انسان‌ها از سایر موجودات و در همان حال جداکننده انسان‌ها از یکدیگر و به هم پیونددهنده آن‌هاست. زیرا از یکسو فرهنگ جهان‌شمول انسان‌ها، آن‌ها را از دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد و در عین حال در ابعاد جهانی، آن فرهنگ وجه اشتراك بین آن‌ها محسوب می‌شود. بر این اساس انسان‌ها نباید حکومت‌هایی را روی کار بیاورند که همواره به فکر منافع و حفظ قدرت و موقعیت خود هستند نه به فکر منافع مردم! اگر انسان‌ها، تنها به وجه اشتراك انسان بودن خود توجه داشته باشند، به هم‌دیگر یاری می‌رسانند تا اگر بحران یا مشکلی ایجاد شده به حل و فصل آن در فضای مسالمت‌آمیز بپردازند و این‌جاست که سیاست‌گذاری فرهنگی جهان‌شمول که همان تلاش تصمیم‌گیران اجتماع برای تعیین الگوها و خط‌مشی‌های فرهنگی آن جامعه است، پدید می‌آید. از این‌رو شهروندان آگاه موظفند موجودیت حکومت را عمیقاً زیر سؤال ببرند و خواهان نفی باشند!

در سال‌های اخیر مسئولان حکومت اسلامی ایران، همواره درباره لزوم خصوصی‌سازی در عرصه‌های مختلف تأکید می‌کنند. پس از خصوصی‌سازی بسیاری از کارخانه‌ها، روند خصوصی‌سازی بسیاری از باشگاه‌های فوتبال و سپردن تیم‌های فوتبال به سرداران بازنشسته سپاه پاسداران آغاز شد. اما پس‌زمینه خصوصی‌سازی در عرصه فرهنگ ایران چیست؟ به‌سادگی می‌توان رد پای رانت، نظامیان یا دیگر سازوکارهای سیاسی که هدفی غیرفرهنگی و غیرانسانی دارند را در روند خصوصی‌سازی فرهنگی در ایران پیدا کرد!

حکومت اسلامی ایران، همه مکانیزم‌های اطلاعاتی-امنیتی چون سانسور و اختناق، ماشین بدون ترمز ترور و اعدام، خانه‌نشین کردن هنرمندان و نویسندگان و روشنفکران خلاق مستقل، از مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و غیره را با هدف به خدمت گرفتن «هنر»، تولیدات بنجل و متبذل مذهبی خود را وارد بازار دیگر کالاهای کند. وقتی از سرمایه‌گذاری در عرصه هنر به‌ویژه به‌سینما می‌پردازیم با کسانی روبه‌رو می‌شویم که نه در چرخش تولید و توزیع کالا، بلکه فساد در درون و پیکر حکومت اسلامی ایران نهاده شده و با فعالیت‌های مافیائی، انحصار واردات و صادرات انواع کالاهای قاچاق، تبه‌کاری، رشوخواهی، اختلاس، دلالی و رانتی، ثروت‌های کلان جامعه را به‌جیب زده‌اند.

یکشنبه پنجم دی [جدی] ۱۳۹۵ - بیست و پنجم دسمبر ۲۰۱۶

ضمیمه:

بازیگران این سریال عبارتند از: علی نصیریان در نقش «بزرگ آقا»، ترانه علی‌دوستی در نقش «شهرزاد»، شهاب حسینی در نقش «قباد» (داماد بزرگ آقا)، پریناز ایزدیار در نقش «شیرین» (دختر بزرگ آقا)، مهدی سلطانی در نقش «هاشم» (زیردست بزرگ آقا)، مصطفی زمانی در نقش «فرهاد»، جمشید هاشم‌پور، ابوالفضل پورعرب، محمود پاک‌نیت در نقش «جمشید» (پدر شهرزاد و زیردست بزرگ آقا)، غزل شاکری در نقش «آذر»، هومن برق‌نورد در نقش «سرهنک تیموری»، گلاره عباسی در نقش «اکرم» (ندیمه شیرین)، غزل شاکری، سهیلا رضوی، فریبا متخصص، نسیم ادبی، امیرحسین رستمی، جمشید گرگین، محمد هادی قمیشی، محمد الهی، مونا احمدی، نهال دشتی، مینا وحید، پاشا جمالی، فرهاد شریفی، مهران نائل، پانته‌آ پناهی‌ها، امیرحسین فتحی، محمدرضا مختاری، عباس ظفری، مهری سادات آل‌آقا، منوچهر زنده‌دل، کرامت رودساز، پرویز بزرگی، فرشید صمدی‌پور، محمد یگانه، رضا نجفی، زری اماد، نیلوفر دوستی، سمیه برجی، آزاده خورشیددوست، مهسا نصیری، زهرا ایمانی، سارا بهارلو، نوید

خداشناس، مهدی علی‌پور، حامد دولت‌آبادی، بانی پال شومون، فرشید عاشوری، امید پناهی‌آذر، صفر کشکولی، حشمت آرمیده، ساقی زینتی، ناهید مسلمی، بهمن صادق‌پور، محمدحسن حسینیان، امیرعلی روحی مقدم، محمدرضا غیاث‌آبادی، نجات علیم‌رادی، محمود بیاتی، معین خانی و...
سریال «شهرزاد» در لوکیشن‌های تاریخی شهر تهران، خانه فرهنگ دکتر معین، زندان قصر، کلوب ارامنه و شهرک سینمایی غزالی فیلم‌برداری شده است.
محسن چاوشی برای سریال «شهرزاد» سه قطعه آهنگ با تنظیم بهروز صفاریان خوانده است.
شهرک سینمایی غزالی که بعد از سریال «هزارستان» تاکنون بازسازی نشده بود، بار دیگر توسط تیم هنری سریال «شهرزاد» بازسازی شد.